

رویکرد دولت مشعشعیان در توسعه علوم دینی و آموزشی

احمدی مقدم، سید محمد^۱

مهدوی فرد، امیرعباس^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه قم

^۲ استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه قم

نویسنده مسئول: seyed21061@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

چکیده

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم (پانزدهم میلادی) ایران یک واحد سیاسی یکپارچه نبود، در شرق ایران ضعف قدرت بازماندگان تیموری مشهود و در قسمتی دیگر از غرب ایران، توسعه حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو آشکار بود. در چنین اوضاع و احوالی احتمال نضج گرفتن نهضت های مذهبی - سیاسی در نواحی مختلف ایران قوت داشت. از جمله حدود سال ۸۴۰/م/ه.ق در منطقه جنوب عراق و خوزستان نهضت مذهبی شیعی به رهبری سید محمد بن فلاح از شاگردان احمد بن فهد بن علامه حلی نضج گرفت که به سرعت به حکومت محلی تبدیل گشت. موسس این دولت سید محمد بن فلاح (متوفای ۸۷۰ق) از علمای حوزه حله بود که در سال ۸۲۸ ق ادعای مهدویت نمود. با این ادعا توانست نظر بیشتر قبایل خوزستان را به خود جلب کند وی بعد از جنگ های متمادی توانست در سال ۸۶۵ قمری حکومت مستقل شیعه به مرکزیت حویزه ایجاد کند. از این زمان به بعد، مشعشعیان بیش از دویست سال به صورت حکمرانان تابع بر این منطقه حکومت کردند. این حکمرانان مردمانی بزرگوار، علم دوست، اهل فضل و دانش بودند. به این جهت آنان موجبات رشد فرهنگی و شکوفایی علم و هنر منطقه خوزستان را فراهم آوردند. دیری نپایید که خوزستان عموماً و حویزه خصوصاً بعنوان مرکز حکمرانی خوزستان در آن زمان یکی از مراکز عمده علمی فرهنگی شد. مرکزی که طالبان علم و جویندگان فضیلت و ادب آهنگ آن نمودند و در آن رحل اقامت افکندند. مفسرین، فقها، حکما، ادبا و شعراء بزرگی از آن ظهور نمودند.

کلیدواژه: مشعشعیان، مستقل، شیعه

مقدمه

دوره هلاکو خان آغاز مرحله دیگری از یورش مغولان به شمار می آید که چنگیز خان از سال ۹۱۸ ق آغاز کرده بود. یورش هلاکو در نهایت به اضمحلال در کانون مهم سیاسی - مذهبی اسماعیلیان در الموت و خلفای عباسی در بغداد انجامید. که هر یک آثار مهمی در حوزه اعتقادی - سیاسی به جا گذاشته بودند. مرکزیت دینی و سیاسی با سقوط بغداد دچار خدشه و تحول گردید و با سقوط الموت، اسماعیلیان از پیشگامان مبارز نظامی در حوزه تشیع کنار نهاده شدند. بی ثباتی سیاسی همراه بی ثباتی مذهبی، وجه بارز این دوره بوده است. چون در این دوره رسمیت مذهب اهل سنت پایان یافت و فرصتی بی سابقه ای برای شیعه دوازده امامی برای رسمیت دادن به مذهب خود به حساب می آید درگیری ها، نابسامانی ها، ظهور سلسله های محلی و قومی - قبیله ای موجود در فاصله میان ایلخانان تا تیموریان، نشان از هم گسیختگی سیاسی و اوج پراکندگی دارد؛ به طوری که در هر گوشه، فرمان روای مستقلی حکومت می کرد.

بروز درگیری قراقویونلوها و آق قویونلوها و کشمکش های میان آنان حتی حکومت آنان بر بخش های جنوبی منطقه خوزستان و جنوب شرقی عراق عرب، آشفته گی و کشاکش قدرت ها در نبود یک حکومت قدرتمند مرکزی را نشان می دهد. در نگرشی کلی به قرنهای هشتم و نهم هجری، باید گفت که مرزهای سیاسی ثباتی نداشت. ظهور و سقوط حکومت های مختلف، زمینه مساعد برآمدن جنبش های اجتماعی را فراهم آورده بود. این جنبش، عمدتاً از یک سو از نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی ناشی می شدند و از سوی دیگر، بر جریان فکری و اعتقادی جدیدی مبتنی بودند که خیزش نوریخشیان، مشعشعیان و صفویان در زمره ی این گروه ها و جنبش ها قرار دارند، که به رغم تمایز عناصر نژادی مخاطبان و حامیان آن ها و تفاوت مناطق فعالیت، همه ی این گروه ها در رویکردی مبالغه آمیز به تشیع همانند بودند. از جنبش های مذکور، صفویان و مشعشعیان موفق به تشکیل حکومت شدند، با این تفاوت که

حکومت مشعشعیان، بر خلاف صفویان، فراگیر و دیر پا نبود از آغاز تا انجام جنبش و حکومت مستقل مشعشعیان حدود هفتاد سال به دراز کشید (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱)

سده نهم هجری در تاریخ فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های شیعی از اهمیت بسیار برخوردار است. جنبشهایی نظیر نوربخشیان، حروفیان، مشعشعیان، و صفویان در این دوران به وجود آمدند و تمامی این جنبشها بسیار به تشیع گرایش داشته‌اند. در اثر فعالیت این گروهها دگرگونی‌های بزرگ معنوی و تأثیر شگرفی در آذهان مردم کرد، لر، آذری، فارس و قسمتی از اعراب به وجود آمد. سلسله مشعشعی یکی از طلایه داران و پدیدآورندگان دگرگونی آن دوران به شمار می‌رود. مشعشعیان پس از استقلالی کوتاه مدت در دوره صفویه به شکل فرمانروایی وابسته و پیرو صفویه درآمدند. هر یک از جنبشهای این دوره دارای اعتقاداتی مختلف در مسائل فکری، دینی، اجتماعی و فرهنگی بودند. اکثر این گروهها عقایدشان نشأت گرفته از تشیع و تصوف بوده است و در ارتباط این دو گرایش با یکدیگر برخواسته بودند.

یکی از نتایج درآمیختن تشیع و تصوف پدید آمدن نهضت مشعشعیان بوده است. آنان از پیروان سید محمد بن فلاح بنیان گذار این جنبش می‌باشند که این نهضت با فعالیتهای وی به وجود آمد و مدت هفتاد سال (۸۴۴-۹۱۴ ق.) به شکل مستقل بر بخشی از جنوب غرب و سپس به شکل والی از جانب حکومت مرکزی بر آنجا حکمرانی می‌نمودند. وی حرکت خود را با مقدمه ای صوفیانه آغاز کرد، آنگاه شروع به اظهار برخی دعای نمود. مشعشعیان جنبشی سیاسی و اجتماعی بودند که به مدت پنج قرن در خوزستان و برخی نواحی اطراف صاحب نفوذ و آوازه بودند و در این مدت دچار تحولات بسیاری شدند و خدمات شایانی نیز نمودند (قیم و بداوی، ۱۳۹۲: ۲)

در مقایسه با جنبش‌های هم عصر و هم سو با مشعشعیان در سده‌های هشتم و نهم هجری، پژوهشهای کمی در مورد آنان وجود دارد. این در حالی است که این موضوع از جنبه‌های گوناگون و از منظر اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو در پژوهش حاضر تاثیر این دولت را در توسعه علوم دینی و آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

چهارچوب نظری

ماهیت اجتماعی مشعشعیان

مناطق جنوب عراق و عرب خوزستان را به دو بخش قبیله‌ای با روستایی عشایری و شهری تقسیم نموده‌اند. روستا به عنوان محل استقرار گروهی یک جانشین قبیله‌ای و یا تحت سلطهٔ قبایل بود. الگوی اقتصادی آنان مبتنی بر کشاورزی یا زراعی دامی بود. علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی و دامی، راهداری و تأمین امنیت کاروان‌های تجار - مسافرتی از سوی برخی قبایل منطقه، به عنوان یکی از شیوه‌های اصلی امرار معاش یاد شده است این بطوریه از وظیفه‌ی راهداری گروهی از اعراب خفاجه یاد کرده است که افزون بر راهنمایی کاروانها، شتر را نیز به عنوان مرکب نقل و انتقال کرایه می‌دادند. از سوی دیگر، گروهی دیگر از همین اعراب در حومه‌ی کوفه به کار غارت و دستبرد مشغول بودند. هم چنان که به تعبیر وی اعراب معادی (بنی معدی عیدی) نیز در حومهٔ واسط مترصد فرصتی بودند که به کاروان‌ها بتازند و غارت کنند، حتی اگر این کاروانیان درویشان فقیر باشند (سیادت، ۱۳۷۴: ۲۵۰-۲۵۱)

تحولات دینی در تاریخ خوزستان پیش از برآمدن مشعشعیان

در واقع شیعه از همان زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) همیشه در رنج و سختی و مشکلات و جنگ با دشمنان، گذران ایام می‌کردند. اما بعد از شهادت امام علی (ع) شدت این سختی‌ها صد چندان شد. امویان دست و پای شیعیان را در عراق می‌بریدند و آنان را بر دار و خانه‌هایشان را خراب می‌کردند، عطای شیعیان از بیت‌المال قطع شد و دوستداران علی (ع) به سیاه چالها افتادند. در برابر آن، جعل حدیث در مدح و ستایش خلفا و معاویه دریافت صله و جایزه رایج گشت و معاویه دستور داد احادیثی در مذمت امام علی (ع) بسازند و ایشان را بر منابر و در مجالس سب و لعن کنند. بنی امیه عده‌ای از امامان را به شهادت رساندند و مصیبت عظیمی یعنی فاجعه کربلا در عهد امویان رخ داد. به سال ۱۳۲ هجری حکومت امویان فروپاشید و عباسیان بر سر حکم آمدند. در روزگار بنی عباس شکنجه و قتل عام شیعیان بیش از عهد بنی امیه بود و سایر امامان جز امام زمان (ع) به دست عباسیان شربت شهادت نوشیدند (محمد زاده، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۱)

این ستم‌ها موجب جلای وطن خاندان علی (ع) و شیعیان و مهاجرت ایشان به ایران و سایر سرزمین‌ها گردید، در آن زمان در جهان چند مرکز اصلی ترویج و گسترش تشیع وجود داشت، کوفه، مدینه، سامراء، جبل عامل، قم، اهواز نیشابور، ری، بخشی از مازندران، و گیلان اهواز یکی از شهرهای مشهور مملو از دانشمندان، پیشوایان دینی، بازرگانان و متمولین بومی و غیر بومی بوده است. طبیعی است که به میمنت اقامت پربرت هر چند کوتاه مدت امام رضا (ع) در اهواز، و نیز وجود شخصیت‌های بارز شیعی از قبیل عبدالله بن نجاشی فرماندار اهواز وکیل امام صادق (ع) در آن سامان، حسن بن سعید و حسین بن سعید اهوازی، علی بن مهزیار و ابن سکیت و دیگران علاوه بر عوامل دیگری همچون مهاجرت و یا تبعید جمع زیادی از شیعیان کوفه به آن نواحی، مذهب رایج و غالب مردم اهواز از همان‌جا منتهی پیروی از مکتب اهل‌البیت (ع) بود، در حالیکه در آن قرون به استثنای قم و چند شهر دیگر، مذهب تشیع در اکثر شهرهای ایران در اقلیت بوده است (پورکاظم جلداوی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۸۰)

راه‌های زمینی خوزستان در قرون اولیه اسلامی به منزله گذرگاهی بین شرق و غرب امپراطوری گسترده اسلامی به شمار می‌رفت. بديهی است، کاروانها و کشتیهای حامل کالاهاى بازرگانی، فرهنگ و تمدن ملتها ديگر را با خود حمل می نمود. در نتیجه بر تحول علوم و فرهنگ و ادب خوزستان تأثیر مستقیم می گذاشت، تا جایی که کثرت علما و ادبای خوزستان در اماکن متعددی چون اهواز، شوشتر، حویزه، رامهرمز، دورق (شادگان)، عبادان (آبادان) در قرن دوم تا حمله مغول به خوزستان در سال ۶۵۴ ه. ق شگفت انگیز جلوه می کند. از جمله این دانشمندان و ادبا که به خوزستان منتسب شده اند، می توان به خاندان سهل اهوازی، خاندان نوبخت اهوازی و دانشمندان و شاعرانی چون، ابوالقاسم زجاجی صاحب کتاب الجمل، ابراهیم صولی، أخبطل اهوازی، ابو نؤاس اهوازی، ابوالقاسم تنوخی، ابویوسف یعقوب ابن سکیت دورقی، ابوالعیناء اهوازی، عکاشه عمی، شیخ الصوفیه سهل بن عبد... تستری، عبدالوحد بن زید عبادانی (اولین رباط زهد را در آبادان ساخت) شیخ حسن رامهرمزی، شیخ احمد ایذجی و ابوهلال عسکری اشاره نمود(العزاوی، ۱۹۶۰-۱۹۶۲، ج ۱: ۳۳۱)

اوضاع دینی و فرهنگی در زمان مشعشعیان

خوزستان از معدود سرزمینهایی است که در اواخر دوره مغولی و دوره انحطاط عثمانی از حاکمانی حامی و مشوق، علما و ادباء و شعرای عرب برخوردار بوده است. خاندان مشعشع که از اواسط قرن نهم تا اواخر قرن سیزدهم بر خوزستان و قسمتی از سرزمین های اطراف آن حکومت می کردند یا خود عالم، یا شاعر و ادیب بوده، با بستر مناسب برای پیشرفت علما و ادبا را فراهم نمودند(پورکاظم چلداوی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۸)

بنابراین آل مشعشع توجه خاص به فرهنگ، علوم و ادب داشتند بطوریکه مدارس و کتابخانه ها را تأسیس، دانشمندان و ادیبان را مورد حمایت خود قرار دادند. استادان و صاحبان فکر و اندیشه را به سرزمین خود دعوت کردند تا فرزندان این مرز و بوم را از لحاظ فرهنگی و ادب پرورش دهند. نتیجه آن شد که فرهنگ و تمدن همگام با پیشرفت اقتصادی و آبادانی و دیگر جنبه های زندگی پیشرفت کند(کریم اللامی، ۱۹۸۵: ۱۷-۱۸)

حکام و والیان مشعشعی سعیشان بر این بود که دولت و حکومت خود را بر پایه‌های اجتماعی سالم و قوی بنا نهند. آنها بخوبی آگاه بودند که جزء با بالا بردن سطح آگاهی و فکری عامه ی مردم دستیابی به چنین هدفی امکان پذیر نیست، سیدمحمدبن فلاح مؤسس دولت مشعشعی درس خوانده مکتب شیخ احمد بن فهد، از شاگردان ممتاز او و از عالمان روزگار خود بود(عاملی، ۱۴۰۳، ق. ج ۱۰: ۳۸)

او در مدت کمی توانست نظر استاد خود را جلب کند و حلقه‌ی تدریس استاد را در عدم حضورش به دست گیرد. واضح است که چنین فردی به محض به دست گرفتن قدرت و انتخاب حویزه به عنوان مرکز حکومت خود، آن را به مرکز فرهنگی، دینی و سیاسی تبدیل کند. حویزه شهری شد بزرگ و معتبر با مدارس، حوزه های علمیه، مجامع علمی و پژوهشی و دارالحکمه و نیز دارای کاروان سراها، بازارها، مساجد، گرمابه ها، عمارت های عالی و کتابخانه های ارزشمندی شد(عزیزی بنی طرفی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

سید محسن فرزند دیگر سید محمد که پس از مرگ پدر به جای او نشست. قلمرو حکومتش تا بغداد و کرمانشاهان و بنادر خلیج فارس می رسید، در دوران ۴۱ ساله فرمانروایش همواره حامی و مشوق علما و فقهاء بود: و کتابهایی نیز بنام او نوشته شد: در آن زمان بازار شیعی گری و سنی گری در سراسر ایران و عثمانی بسیار گرم شده بود(کسروی، ۱۳۵۶: ۵۷)

طرفداران مذهب شیعی، مورد حمایت مشعشعیان قرار گرفت بودند و بسیاری از علمای شیعی به سید محسن روی آوردند و سید نیز از علما و فقها حمایت می کرد و نهایتاً کتابهایی بنام او نوشته شد: مولانا شمس الدین محمد استرآبادی حاشیه ای بر شرح تجرید نوشته و دیباچه ی آنرا به نام سید محسن مشعشعی مصدر کرده است. سلطان محسن نیز کار او را پسندیده، هدایای گرانبها برای او به ارمان فرستاد(موسوی مشعشعی: ۱۲)

بنابراین سید محسن با کرم و بخشش و دانش پروری، برای خود و خاندان خویش اعتبار و وجهت شایانی کسب کرد. تجلی و نمود بارز این اعتبار در روی آوردن علمای شیعه از اطراف و اکناف سوی او بود. به همین جهت او را «سلطان محسن» یا «ملک محسن» نامیدند(مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۹۹)

سید مبارک که مقارن سلطنت شاه عباس صفوی حاکم مشعشعیان بود(رنجبر، ۱۳۸۲: ۳۱۳)

به گفته کسروی «از برداشت حویزه و عربستان چیزی به شاه نمی پرداخته گرچه در ابتدای جوانی کارهای ناشایستی از او سر زد ولی معروفترین فرمانروای مشعشعیان است.»(کسروی، ۱۳۵۶: ۶۸)

و پاره ای از علما شیعه و از آن میان شیخ عبد اللطیف جامعی را به حویزه فرا خواند و به یاری آنها مذهب شیعه دوازده امامی را جانشین مهدیگری مشعشع کرد(افندی تبریزی، ۱۴۰۱، ق. ج ۲: ۲۴۲)

سید مطلب پسر سید بدران را باید یکی از چهره های برجسته و شاخص مشعشعیان در عرصه علم و فرهنگ نامید. او بی آنکه سودای قدرت و فرمانروایی در سر داشته باشد، با وارد نشدن در حوزه ی قدرت و منازعات مرتبط به آن و به عوض آن روی آوردن به اقدامات و فعالیت های فرهنگی، منشأ خدمات شایانی بود. مولامطلب جزء معدود موالی مشعشعی است که پدرش (سیدبدران)، برادرش (سیدسجاد) و پسرش (سیدمبارک) همگی فرمانروا و حاکم بودند، اما او بر اریکه ی قدرت نشست و اصولاً فکر دستیابی به آن نبود. همین خصلت سید مطلب سبب گردید تا دوره ی او، عصر طلایی مشعشعیان در عرصه ی علم و ادب باشد و پس از آن، علمای چندی از خاندان مشعشعی با به عرصه ی وجود گذارند(قیم، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

سید مطلب پس از به قدرت رسیدن پسرش سید مبارک، از قدرت و نفوذ او برای بسط، ترویج و آموزش علوم آن دوره، استفاده کرد. او با دعوت از شیخ عبداللطیف جامعی و تأسیس مدرسه ی علوم دینی در حویزه، به تربیت نسل جدیدی از امرای دانشمند و دانش پرور مشعشعیان، همت گماشت. پیش از

آن نیز سید مطلب نهایت احترام و اکرام را نسبت به پدر شیخ عبداللطیف؛ یعنی شیخ نورالدین علی ابراز داشت و او را در دورق، مسکن داده بود(افندی تبریزی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۳: ۲۵۵)

پسر شیخ نورالدین، یعنی شیخ عبداللطیف نیز از عالمان دینی بود، که به دلیل احاطه بر علوم آن دوره، او را ابی جامع لقب داده بودند. او از شاگردان شیخ بهایی بود و مؤلف امل الأمل، او را فقیه صالح معرفی می کند. اهتمام و عنایت سید مطلب به ترویج و آموزش علوم و توجه خاص ایشان به شیخ نورالدین علی و بعدها به شیخ عبداللطیف، نشان دهنده ی دانش دوستی و دانش پروری او است؛ به همین دلیل مولانا کمال الدین محمد بن حسن استرآبادی، شرح فصول خواجه نصیر را به نام سید مطلب مشعشعی نوشت(کسروی، ۱۳۵۶: ۶۳)

تأسیس مدرسه ی علوم دینی در حوزه توسط سید مطلب، با هدایت و مدیریت شیخ عبداللطیف جامعی، نقش مهمی در گسترش آموزش های دینی در مناطق تحت نفوذ مشعشعیان داشت و با گشوده شدن مدرسه ی علوم دینی، تعداد زیادی طلبه و هم چنین امرای خاندان مشعشعی، در آن به آموزش پرداختند و علمای بزرگی در دامن آن پرورش یافتند. سید خلف و سید راشد، پسران سیدمطلب، از جمله ی تربیت یافتگان همین مدرسه بودند(موسوی مشعشعی: ۱۲)

سید خلف مشعشعی(۹۸۱-۱۰۷۰ ه ق) را باید فرزند خلف سید مطلب دانست(کسروی، ۱۳۵۶: ۷۵) زیرا نه تنها راه و روش پدر را در میل و گرایش به علوم آن روز دنبال کرد؛ بلکه فراتر از او، در این راه آن چنان پیش رفت که یکی از علمای شیعه گردید. سید خلف دارای قریحه ی شاعری نیز بود. ریاضت پیشگی و عبادت سید خلف، سبب گردیده بود تا همواره او را در عبادت، مثال بزنند(خوانساری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۶۳-۲۶۶)

اما آن چه شأن و منزلت علمی سید خلف مشعشعی را بیش از هر چیز برجسته و متجلی می گرداند کتاب های او است، که مزید بر شجاعت، عبادت، علاقه به عمران و آبادانی و قریحه ی شاعری این عالم بزرگوار است. تألیفات او در انواع مختلف علوم از صرف و نحو و کلام و منطق و شعر عربی و فارسی و فضائل معصومین از بیست عنوان کتاب فراتر است(افندی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۲: ۲۴۵)

بعد از سید خلف می بایست از پسر او سید علی، معروف به سید علی خان نام برد؛ او نیز از جمله دانشمندان بزرگ شیعه است. نویسنده ی کتاب ریاض العلماء او را از «اکابر علما» میدانند، که به تصوف نیز گرایش داشته است(افندی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۴: ۷۸) دانش پروری و دانش دوستی امرای مشعشعی، سبب گردیده بود تا در دوره ی سیدعلی مشعشعی، سید نعمت الله جزایری، نیای سادات جزایری خوزستان، از جزایر به حویزه آمده و در آن جا سکونت گزیند و پس از مدتی به شوشتر عزیمت کند(کسروی، ۱۳۵۶: ۷۲) سید نعمت الله جزایری در کتاب الانوار النعمانیه پس از ذکر دوستی و مراوده ی خویش با سیدعلی، او را در علم، ادب، عبادت، رسیدگی به حال مردم و شعر، سرآمد توصیف کرده است(شیر، ۱۳۸۵ ه.ق: ۱۳۷)

برخلاف سید مطلب و سید خلف، سید علی مشعشعیان از سال ۱۰۶۰ تا ۱۰۸۸ قمری حاکم مشعشعیان بود و بر حریزه و اطراف آن حکومت می راند. با این وجود علیرغم نا آرامی ها و درگیری های دوره ی حکومت سیدعلی، کتاب های زیر، از او به یادگار مانده است(عاملی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۸: ۲۸۵) پس از سید علی بن سید خلف، باید از نوه ی او سید علی بن سید عبدالله نام برد؛ سیدعلی و پدرش سید عبدالله، هر دو از فرمانروایان مشعشعی بودند. سیدعبدالله برای مدت کوتاهی، یعنی هفت ماه و بیست روز، والی مشعشعیان بود و در سال ۱۰۹۷ ق بدوود حیات گفت، و پسر او سید علی، یک بار در سال ۱۱۱۲ ق، به مدت هشت ماه و بار دیگر در سال ۱۱۲۷ ق، حاکم مشعشعیان گردید. از آن جا که علم و ادب در آن دوره از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار بود و سید عبدالله نیز همانند پدرش سیدعلی و جدش سیدخلف، دانش پرور و دانشمندان بود، همواره از سوی اهل قلم و علمای دینی مورد احترام قرار می گرفت، هر چند مقام و شأن علمی او در زمینه ی علوم دینی، به جایگاه رفیع سید علی و سید خلف نمی رسید(رنجبر، ۱۳۸۲: ۳۵۱)

پایه ریزی و بسط آموزش علوم دینی و معارف اسلامی توسط سید مطلب سبب گردید تا در نسل های بعدی این امر تداوم یابد و فرزندان امرای مشعشعی فقط به فکر کسب قدرت و تصاحب حکم والیگری نبوده، شیوه ی علم اندوزی در حوزه ی معارف دینی را نیز پیشه ی خود سازند(افندی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۴: ۷۷-۸۰)

سید علی بن سید عبدالله مؤلف کتاب الرحلة المکیه، آخرین فرد از عصر طلایی شکوفایی علوم نزد مشعشعیان است. او حوادث مشعشعیان از تأسیس حکومت و روی کار آمدن سید محمد بن فلاح، تا سال ۱۱۲۸ ق را به رشته ی تحریر در آورده است. از آن جا که کتاب مزبور مأخذ اصلی و عمده ی تاریخ نگاران، در تألیف تاریخ مشعشعیان بوده، از این رو سید علی، نام آورتر و معروف تر از نیاکان عالم و صاحب فضل خویش است(قیم، ۱۳۸۳: ۱۹۱) خدمات فرهنگی مشعشعیان

حکومت مشعشعیان در خوزستان در طول تاریخ نقش به سزایی در تاریخ، تمدن، علم و فرهنگ ایران داشته و در این زمینه خدمات شایانی به ایران و جهان اسلام نموده است. تأسیس جندی شاپور و خدمات ارزنده اش گواه این مطلب است. دانشمندان، شعراء، فلاسفه و پزشکان برجسته ای در این خطه قد برافراشتند و نقش بسیار مهمی در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی ایفا کردند. دوره مشعشعیان یکی از شکوفاترین و غنی ترین دوره های ادبی در خوزستان است. در این دوره ادبیات به طور عام و شعر به طور خاص به پیشرفت رسید. این خاندان چون خود اهل علم و فضیلت بودند توجه شایانی به ادب و ادیبان داشته اند به طوری که افراد نامداری چون ابن رحه حویزی و شهاب الدین موسوی و سید علی خان بن خلف و... توانستند آثار ارزشمندی

از خود به جای بگذارند. فعالیت های فرهنگی حاکمان و والی زادگان مشعشعی با سید مطلب مشعشعی به شکل جدی آغاز او بدون اینکه سودای قدرت در سر داشته باشد به جای وارد شدن در حوزه قدرت و منازعات « . شد مرتبط با آن، با روی آوردن به اقدامات و فعالیتهای فرهنگی، منشأ خدمات شایانی گردید و نام نیکی از از دوره وی به عنوان عصر طلایی مشعشعیان در عرصه علم و ادب یاد می شود (عبداکریم الالامی، ۱۹۸۵: ۱۷) پیشینه

بیت سیاح (۱۳۹۴) نقش مشعشعیان در ترویج مذهب تشیع را مورد بررسی قرار داده است. در حقیقت، نهضت شیعی مشعشعیان در زمان حکومت شاهرخ میرزا در خوزستان به رهبری سید محمد مشعشعی، در سال ۸۴۴ هـ.ق، شکل گرفت. این حکومت از ابتدا به عنون حکومت دینی پایه گذاری شد. مذهب اصلی حاکمان این حکومت تشیع بود و بین افراد خود از بزرگان و عالمان مذهب تشیع بوده اند.

حسنی (۱۳۹۵) نقش حکومت مشعشعیان در رشد فرهنگ علمی جنوب غربی ایران را مورد بررسی قرار داده است. این دولت در زمان کوتاهی توانست با ارتقای فرهنگ دینی و علمی مردمان شیعه ساکن در این منطقه، دانشمندان بزرگی را تربیت کند که با نگاهی ها و آرای ویژه خود در سیاست، فرهنگ و علم تاثیر فراوانی بر جای گذارند.

قیم و همکاران (۱۳۹۲) تاثیر مشعشعیان در ساختار اجتماعی و فرهنگی خوزستان را مورد بررسی قرار داده است. در سال ۱۴۳۷ م/ ۸۴۰ هـ.ق در منطقه جنوب عراق و خوزستان نهضت مذهبی شیعی به رهبری سید محمد بن فلاح از شاگردان احمد بن فهد بن علامه حلی نضج گرفت که به سرعت به حکومت محلی تبدیل گشت. این حکمرانان مردمانی بزرگوار، علم دوست، اهل فضل و دانش بودند. به این جهت آنان موجبات رشد فرهنگی و شکوفایی علم و هنر منطقه خوزستان را فراهم آوردند. دیری نپایید که خوزستان عموماً و حویزه خصوصاً (بعنوان مرکز حکمرانی خوزستان در آن زمان) یکی از مراکز عمده علمی فرهنگی شد. مرکزی که طالبان علم و جویندگان فضیلت و ادب آهنگ آن نمودند و در آن رحل اقامت افکندند. مفسرین، فقها، حکما، ادبا و شعراء بزرگی از آن ظهور نمودند.

بهرامی (۱۳۸۹) تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشعشعیان را مورد بررسی قرار داده است. در قرون هشتم و نهم هجری بیشتر جمعیت ایران و سران کشور سنی بودند و فعالیت برای گروه های شیعی بسیار دشوار بود. با تبلیغ عالمان شیعی و فعالیت جنبشها و خیزش هایی مانند سربداران، حروفیان و مشعشعیان که به شیعه تمایل داشته اند، روز به روز بر جمعیت شیعی ایران افزوده میشد و فعالیت این گروهها باعث رشد روزافزون تشیع شد و زمینه را برای دولت صفویان مهیا نمود تا مذهب شیعه را در ایران رسمی کند. مشعشعیان یکی از این جنبشها بودند که نقش زیادی در آشنایی مردم به تشیع داشتند. فعالیت این جنبش سیاسی- اجتماعی که حدود پنج قرن از خوزستان را به خود اختصاص داده است با اقدامات سید محمد بن فلاح که از شاگردان خاص ابن فهد حلی عالم بزرگ شیعه بود شروع شد. فعالیت سید محمد و اقدامات نظامی پسرش، سید علی باعث پیشروی ها و دست یافتن مشعشعیان بر بخش عظیمی از جنوب غرب ایران به مرکزیت حویزه شد. مشعشعیان به مدت هفتاد سال شکل مستقل و پس از آن به عنوان والی از جانب دولت مرکزی بر خوزستان حکمرانی می کردند و در طی این مدت منشأ خدمات فراوانی به شعرا و علما و ادبا شدند.

نتیجه گیری

سده نهم هجری در تاریخ فعالیت گروه ها و جنبش هایی با گرایش های شیعی اهمیت بسیاری دارد. خیزش نوربخشیان، صفویان و مشعشعیان در زمره این گروه ها و جنبش ها قرار دارند، که به رغم تمایز عناصر نژادی مخاطبان و حامیان آنها، و تفاوت مناطق فعالیت، همه این گروه ها در رویکردی مبالغه آمیز به تشیع همانند بودند. از جنبش های مذکور، صفویان و مشعشعیان موفق به تشکیل حکومت شدند.

مشعشعیان به عنوان یک خیزش اجتماعی متأثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سده نهم هجری، به ویژه منطقه جنوب بین النهرین و خوزستان بوده اند. در واقع مشعشعیان، جنبشی با ویژگی های سیاسی- اجتماعی، و هم چنین گروهی با ماهیت فرقه ای و مبتنی بر ویژگی های اعتقادی خاص، در درازای در دوره حیات خود تا پایان حکومت صفوی (۱۱۳۵ ق.) و پس از آن بوده اند.

این حکومت به لحاظ زمینه های اجتماعی، بافت جمعیتی و نوع معیشت پیروان سید محمد بن فلاح، در بستر شرایط اجتماعی و سیاسی سده های هشتم و نهم هجری، توجه شده، و به عنوان جنبشی برخوردار از حمایت نظام قبیللهای اعراب منطقه مذکور و متأثر از مقتضیات چنین نظامی معرفی شده است. از حیث اعتقادی و فرقه ای، تأملات سید محمد بن فلاح با محوریت دو اصل مهدویت و الوهیت تنظیم شده است. به نظر می رسد او از منظری نو به این دو اصل نگریسته، به طوری که موجودیت متمایز ماهیت فکری مشعشعیان در میان جنبش ها و اندیشه های همسان به دست آمده است. اما این نگرش جدید سید محمد بن فلاح جایگاه او را تا مرتبه مؤسس مکتب اعتقادی بالا نمی برد. در واقع، اهمیت اندیشه های او، بیشتر در ترکیب نوین ماترک گذشتگان، در زنجیره جریان اعتقادی ملهم از تصوف و تشیع است. از این رو، به کارگیری اصطلاح فرقه، با مفهوم تأسیسی و اعتقادی محض، منطبق با ماهیت خیزش مشعشعیان نیست. هم چنان که سید محمد بن فلاح، به رغم تأثیرپذیری از اندیشه های متصوفانه و سلوک به برخی شیوه های آنها، هیچگاه مؤسس و رهبر طریقت صوفی نبود، از این رو، با توجه به ناکارآمدی کاربرد تعابیر فرقه و طریقت درباره ماهیت فکری- اجتماعی مشعشعیان، نمی توان منکر سازگاری اصطلاح جنبش (نهضت) به حرکت اجتماعی پیروان سید محمد بن فلاح شد. مشعشعیان، متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سده نهم هجری، پاسخ بسیاری از پرسش ها و نیازهای خود را در تعالیم سید محمد بن فلاح دیدند و به دنبال دعوت او حرکت اجتماعی را در براندازی مراجع قدرت سیاسی

منطقه خوزستان و جنوب بین‌النهرین آغاز کردند و در نهایت موفق به پی‌ریزی حکومتی مستقل شدند. البته شایان ذکر است که رهبری این جنبش، همچون سایر جنبش‌ها، بر اساس اصول اعتقادی و ایدئولوژی مشخص، به ترسیم جامعه مطلوب آرمانی دست زدند. وجود این حکومت در خوزستان در طول تاریخ نقش به‌سزایی در تاریخ و تمدن و علم و فرهنگ داشته است و خدمات شایانی به ایران و جهان اسلام داشته است که تأسیس جندی شاپور و خدمات ارزنده اش گواه این مطلب است. دوره مشعشعیان یکی از شکوفاترین و غنی‌ترین دوره‌های ادبی در خوزستان است. این خاندان چون خود اهل علم و فضیلت بودند توجه شایانی به علم و ادب داشتند. آنها مدارس و کتابخانه‌ها را تأسیس و دانشمندان و ادیبان را مورد حمایت خود قرار دادند. از جمله آن مدارس، مدرسه شیخ عبداللطیف بود که محلی برای تربیت شاهدگان مشعشعی گردید. این دوره دربار فرمانروایان آل مشعشع (نیمه قرن نهم) محل تجمع فقیهان شیعه، دانشمندان و شاعران و نحویان شد. و در پرتو حمایت آنان دوره درخشانی در فرهنگ و تمدن شیعی - صوفی خوزستان پدید آمد. که مؤلفان، عالمان و ادیبان آن نهضت فکری و ادبی فعال و پرنشاطی را با خلق آثار ی متعدد و متنوع در انواع مختلف علوم از شعر و نثر و فلاسفه و کلام و منطق و علوم دینی و مذهبی و علوم طبیعی و طب و ریاضی... را به وجود آوردند از عوامل مهم که به پیشرفت تمدن و فرهنگ در خوزستان در این زمان کمک شایانی نمود، تأسیس مدارس و مراکز علمی و کتابخانه‌های غنی و متعدد بود به طوری که کسب دانش و فراگیری علوم و فنون در آن عصر ارزش و اهمیت زیادی یافته بود و نابعه‌های نامداری و همچون ابن‌رحمه حویزی، شهاب‌الدین موسوی، سیدعلی خان بن خلف... توانستند آثاری ارزشمند از خود برجای نهند.

اشاره به نکاتی در خصوص اهمیت موضوع ضرورت دارد. در تاریخ ایران رسمیت تشیع در سال ۹۰۷ یا ۹۰۶ قمری به دست صفویان صورت گرفت. در فرآیند فرصت‌سازی برای بسط تشیع در ایران از سقوط خلافت عباسی، دوره مغول و خلاء مرجعیت رسمی دینی و جنبش‌هایی چون سربداران و رشد تشیع به کرات یاد می‌شود؛ اما از پیشینه مهم رسمیت تشیع در قلمرو حکومت مشعشعیان در جنوب غرب ایران چندان سخنی به میان نمی‌آید. در واقع تحت تأثیر تاریخ نگاری دوره صفوی جایگاه و اهمیت مشعشعیان نادیده گرفته می‌شود. تصرف هویزه در سال ۸۴۵ قمری توسط سیدمحمدین فلاح و آغاز حکومت شیعی مشعشعیان با قلمرویی نسبتاً بزرگ - از واسط در غرب تا بهبهان در شرق و از جنوب به خلیج فارس و از شمال در مواردی تا نزدیکی بغداد - شصت و دو سال پیش از آغاز حکومت صفوی و اعلام رسمیت تشیع از سوی آنهاست. افزون بر این، آغاز رهبری نهضت صفوی و نه طریقت که با رهبری شیخ صفی‌الدین اردبیلی از آغاز قرن هشتم همراه بود، به سلطان جنید بازمی‌گردد که تحولی دوگانه را در باور و روش صفویان ایجاد کرد. از یکسو تمایلات آشکار شیعی نشان داد و از چارچوب تصوف سنتی سنی بیرون آمد و از سوی دیگر به روش سیاسی - نظامی متوسل شد که در مسیر قدرت‌گریزی از آن نبود. نکته مهم تأثیرپذیری رهبری نهضت صفوی از جنبش مشعشعی است که چندان از آن یاد نشده است. در تاریخ حلب به موضوع محاکمه جنید توسط فقیهان مذاهب اربعه اشاره می‌شود و در صورت جلسه آن محکمه، از جنید به عنوان «شعشعی مذهب» یاد شده است. از لحاظ زمان و جغرافیای جنبش مشعشعی، منطقی است که جنید صفوی الگوی اعتقادی - سیاسی مشعشعیان را پیش رو داشته باشد و به آن تاسی کند و حرکتی نو را در روابط صفویان و مخاطبشان بنیان بگذارد، حرکتی که نهایتاً به کسب قدرت حکومتی ره برد. قاعدتاً این پیشگاهی مشعشعیان در ماخذ دوره صفوی نمودی نمی‌یابد و نه فقط از تقدم آنها ذکری به میان نمی‌آید که ناباورانه و علی‌رغم همگونی اعتقادی، بد اعتقادی مشعشعیان توجیه‌گر یورش سال ۹۱۴ اسماعیل اول صفوی به خوزستان و خاتمه حکومت مستقل مشعشعی می‌شود.

منابع

کتاب

- سیادت، موسی، ۱۳۷۴، تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان. تهران: مؤسسه چاپ و نشر آزان - نشر سهند.
- محمدزاده، مرضیه، ۱۳۸۸، علی بن موسی الرضا (ع)، قم: دلیل ما.
- الغزالی، عباس، ۱۹۶۰-۱۹۶۲، تاریخ الادب العربی، ج ۱، عراق، مطبوعه علمی العراق،
- پور کاظم چلداوی، کاظم، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی خوزستان، اهواز، انتشارات آیات،
- کریم‌اللامی، عبدالرحمن، ۱۹۸۵، الادب العربی فی الاهواز، العراق، منشورات وزارة الثقافة و الاعلام، ص ۱۷-۱۸
- عاملی، محسن امین، ۱۴۰۳ ه.ق، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات،
- رنجبر، محمد علی، ۱۳۸۲، ه.ش، مشعشعیان، ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی، انتشارات آگاه،
- کسروی، احمد، ۱۳۵۶، ه.ش، تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان، انتشارات گام - پایدار،
- عزیزی بنی‌طرفی، یوسف، ۱۳۷۲ ه.ش، قبایل و عشایر عرب خوزستان، بانگاهی به آیین فصل، شعر، هنر و تاریخ، تهران، ناشر مولف،
- افندی تبریزی، میرزا عبدالله، ۱۴۰۱ ه.ق، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، قم، مطبوعه الخیام، ج ۵ - ۱
- شیر، جاسم حسن، تاریخ مشعشعیان (تهران، چاپخانه الآداب، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م).
- قیم، عبدالنبی، ۱۳۸۳، اقدامات فرهنگی سید مطلب مشعشعی، مجله تاریخ اسلام (دانشگاه باقرالعلوم)، شماره ۱
- موسوی مشعشعی، سیدعلی خان، «الرحله المکیه»، کتابخانه سپهسالار (مطهری فعلی)، به شماره ۱۵۱۳
- خوانساری، محمدباقر بن زین‌العابدین، ۱۳۹۱، روایات الجنات فی أحوال العلماء السادات، قم، مکتب-اسماعیلیان، جلد ۸

مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷ ه.ش، مجالس المؤمنین، نشر اسلامیه، جلد ۱-۲ ناشر: انتشارات اسلامیه
مقالات

قیم، بهادر، علی بحرانی پور، شهرام جلیلیان، سمیره بداوی. ۱۳۹۲. تأثیر مشعشعیان در ساختار اجتماعی و فرهنگی خوزستان (۱۱۷۶ - ۸۴۵ ه. ق).
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده ادبیات
بهرامی، بهرام، عباس احمدوند، حاتم یوسفی. ۱۳۸۹. تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشعشعیان. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه زنجان
ذکاوتی فراگزلو. علیرضا، نهضت مشعشعی و گذاری بر کلام المهدی، مجله معارف، فروردین - تیر ۱۳۷۵ - شماره ۳۷ ص ۶۰ و الشیبی، ص ۳۱۰.
بیت سیاح، مجید، ۱۳۹۴، نقش مشعشعیان در ترویج مذهب تشیع، دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، موسسه سفیران فرهنگی مبین،
حسنی، محمدجواد، ۱۳۹۵، نقش حکومت مشعشعیان در رشد فرهنگ علمی جنوب غربی ایران، سومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران،
موسسه سفیران فرهنگی مبین،